

# سکولاردموکراسی و پادشاهی مشروطه

شاهزاده رضا پهلوی؛ از اصول اعلام شده تا سازوکار انتخاب مردم

پیمان بخشایش | جراح تروما و ارتوپدی

MD, PhD, MBA

نسخه تکمیل شده | ۶ اکتبر ۲۰۲۶

## چکیده

حمایت از یک رهبر سیاسی، پذیرش مسئولیت دوران گذار و تعیین شکل نهایی حکومت، سه تصمیم متفاوت اند. این مقاله نسبت میان سکولاردموکراسی، نقش شاهزاده رضا پهلوی و امکان تأسیس پادشاهی مشروطه پارلمانی را در شش گام بررسی می کند. استدلال اصلی آن است که اعلام اصول، نقطه آغاز توافق است؛ اما دوام آزادی به حدود روشن اختیار، نهادهای پاسخگو، حقوق برابر شهروندان و انتخاب آزاد مردم وابسته است. پادشاهی مشروطه، در صورت انتخاب مردم، باید در متن قانون اساسی و سازوکارهای اجرایی آن تعریف شود. همچنین دیپلماسی، بازسازی اقتصادی و همبستگی ملی، هدفهایی نیازمند برنامه و ارزیابی اند. شش گام این نوشته، چارچوب تحلیلی نویسنده است و ترتیب قطعی وقایع یا برنامه رسمی شش مرحله ای شاهزاده را بیان نمی کند.

کلیدواژه ها: سکولاردموکراسی؛ پادشاهی مشروطه؛ رضا پهلوی؛ دوران گذار؛ حق انتخاب؛ حاکمیت قانون.

## فهرست مطالب

مقدمه | از اعتماد سیاسی تا اعتماد نهادی

۱. گام نخست | اصول اعلام شده؛ موضوع توافق چیست؟

۲. گام دوم | رهبری گذار؛ مسئولیت موقت و حدود اختیار

۳. گام سوم | همکاری سیاسی؛ توافق بدون یکسان اندیشی

۴. گام چهارم | روابط خارجی؛ تعهد پیشنهادی و ارزیابی پیامدها

۵. گام پنجم | اداره موقت؛ فراهم کردن امکان انتخاب آزاد

۶. گام ششم | پادشاهی مشروطه؛ در صورت انتخاب مردم

جمع بندی | پیوند اصول، مسئولیت و حق انتخاب

یادداشت روش و حدود شواهد

منابع

برای رفتن به هر بخش، عنوان آن را انتخاب کنید.

## مقدمه | از اعتماد سیاسی تا اعتماد نهادی

پرسش اصلی درباره آینده ایران، تنها این نیست که چه کسی در رأس یک حرکت سیاسی قرار گیرد. پرسش مهم‌تر آن است که قدرت چگونه پدید می‌آید، به چه قواعدی مقید می‌شود، در برابر چه مرجعی پاسخ می‌دهد و با چه روشی انتقال می‌یابد. اعتماد به یک شخصیت می‌تواند همکاری را آغاز کند؛ اعتماد به نهادها باید امکان ادامه زندگی سیاسی را حتی پس از تغییر اشخاص فراهم سازد.

در بحث درباره شاهزاده رضا پهلوی، سه سطح را باید روشن نگه داشت: نخست، اصولی که می‌توان بر سر آن‌ها توافق کرد؛ دوم، مسئولیتی که برای عبور از بحران و فراهم کردن شرایط انتخاب پذیرفته می‌شود؛ و سوم، جایگاه احتمالی در نظامی که مردم در آینده تأسیس خواهند کرد. همراهی با اصول یا با مسئولیت موقت، به‌خودی‌خود نتیجه انتخاب سوم را تعیین نمی‌کند.

دفاع از پادشاهی مشروطه پارلمانی می‌تواند ترجیحی روشن و قابل بحث باشد. اعتبار دموکراتیک این دفاع هنگامی آشکار می‌شود که حق جمهوری خواه برای رقابت، نقد و مشارکت نیز به رسمیت شناخته شود. هر جریان باید بتواند برای گزینه خود استدلال کند و در عین حال، قواعد انتخاب آزاد و حقوق رقیبان را محترم بشمارد.

این مقاله از چارچوب پیش‌نویس نویسنده آغاز می‌کند و آن را به بحثی نهادی گسترش می‌دهد. گزارش مواضع اعلام‌شده با ارجاع مشخص آمده است؛ پیشنهادهای مربوط به نظارت، محدودیت قدرت و طراحی نهادهای آینده، تحلیل و پیشنهاد این مقاله‌اند. بنابراین هیچ سازوکار پیشنهادی در این متن، بدون منبع صریح به شاهزاده یا به یک برنامه رسمی نسبت داده نمی‌شود.

## ۱. گام نخست | اصول اعلام شده؛ موضوع توافق چیست؟

رضا پهلوی در کنفرانس خبری ۱۷ ژانویه ۲۰۲۶ چهار اصل را بیان کرد: یکپارچگی سرزمینی ایران؛ آزادی‌های فردی و برابری شهروندان؛ جدایی دین و حکومت؛ و حق ایرانیان برای تعیین شکل دموکراتیک نظام سیاسی. معرفی رسمی دیدگاه‌های او نیز آزادی عقیده، آزادی بیان و فعالیت سیاسی و حقوق زنان را در شمار اصول بنیادین قرار می‌دهد. این ارجاعات، مواضع اعلام شده را احراز می‌کنند و درباره میزان حمایت تمام جامعه داوری آماری به دست نمی‌دهند. [۱، ۲]

سکولاردموکراسی در چارچوب این مقاله، پیوند دو تعهد است: بی‌طرفی نهاد حکومت در برابر باورهای دینی و غیردینی، و پاسخ‌گویی قدرت به شهروندان. شهروند مؤمن باید همان امنیت و امکان مشارکت را داشته باشد که شهروند نامؤمن دارد. وفاداری مذهبی یا بی‌اعتقادی، نباید معیار برخورداری از حقوق، استخدام عمومی یا صلاحیت سیاسی باشد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی فکر و دین، مشارکت در امور عمومی و برابری در برابر قانون را به رسمیت می‌شناسد؛ مواد ۱۸، ۱۹، ۲۵ و ۲۶ برای فهم این حقوق اهمیت دارند. ارجاع به این مواد، به معنای حذف شرایط و محدودیت‌های قانونی مقرر در خود میثاق نیست. [۵]

برای تبدیل اصول به تعهد عملی، متن حقوق شهروندی، شیوه رسیدگی به نقض حقوق، استقلال مرجع رسیدگی و حدود اختیار نهادهای امنیتی باید روشن باشد. آزادی تنها با درج نام آن در قانون حفظ نمی‌شود؛ شهروند باید بتواند علیه تصمیم ناقض حق اعتراض کند و از پاسخ مؤثر برخوردار شود.

یکپارچگی سرزمینی نیز در این استدلال، با برابری و مشارکت همه ایرانیان پیوند دارد. سیاست عمومی باید امکان حضور زنان و مردان، گروه‌های زبانی و فرهنگی و باورهای مختلف را فراهم سازد. پذیرش تنوع درون یک کشور، می‌تواند بخشی از ساختن اعتماد به همان کشور و نهادهای مشترک آن باشد.

## ۲. گام دوم | رهبری گذار؛ مسئولیت موقت و حدود اختیار

وبگاه رسمی رضا پهلوی، آمادگی اعلام‌شده‌ او برای رهبری حرکت ملی و دوران گذار را ثبت کرده و امکان انتخاب نظام سیاسی توسط مردم را از اهداف این فعالیت معرفی می‌کند. این شرح رسمی، بیان موضع و نقش مورد ادعای اوست؛ جای انتخابات عمومی یا تفویض اختیار حقوقی از سوی همه ایرانیان را نمی‌گیرد. [۲]

در تحلیل این مقاله، نقش رهبری گذار می‌تواند به هماهنگی، نمایندگی سیاسی، کاهش پراکندگی و جلب همکاری برای اداره دوره موقت کمک کند. ارزیابی چنین نقشی باید با کیفیت تصمیم‌ها، توان همکاری و میزان پاسخ‌گویی انجام شود. محبوبیت، سابقه خانوادگی یا توان دیپلماتیک، به‌تنهایی حدود یک مأموریت را مشخص نمی‌کند.

از همین رو، منشور دوران گذار باید دست‌کم مرجع تشکیل نهادهای موقت، دامنه اختیار، مدت مأموریت، مسئولیت اداره کشور، نظارت مالی و راه رسیدگی به شکایت را معلوم کند. تقسیم مسئولیت میان نقش هماهنگ‌کننده سیاسی و مدیریت اجرایی روزمره نیز باید قابل فهم باشد. شهروند لازم است بداند هر تصمیم را چه کسی گرفته و کدام مرجع می‌تواند آن را اصلاح کند.

اختیارات اضطراری، اگر برای حفظ خدمات و امنیت ضروری شناخته شوند، باید موضوع، مدت و مرجع بازبینی مشخص داشته باشند. تمدید مأموریت موقت نیازمند دلیل علنی و سازوکار نظارتی است. همچنین تصمیم‌های مهم، قراردادهای عمده و هزینه‌های عمومی باید تا حدی که با حقوق اشخاص و ضرورت‌های واقعی امنیتی سازگار است، منتشر شوند.

حمایت از یک رهبر با حق پرسش و نقد همراه است. پرسش درباره ترکیب تیم، منابع مالی یا روش تصمیم‌گیری، می‌تواند کیفیت همکاری را افزایش دهد. رهبری دوران گذار زمانی با هدف دموکراتیک خود

سازگار می ماند که راه انتقال اختیار به نهادهای منتخب را هموار کند و جایگاه دائمی را به فرایند تأسیس نظام آینده بسپارد.

### ۳. گام سوم | همکاری سیاسی؛ توافق بدون یکسان اندیشی

ائتلاف ملی می تواند میان کسانی شکل گیرد که درباره پادشاهی یا جمهوری، اقتصاد یا سیاست اجتماعی ترجیح های متفاوت دارند. موضوع همکاری باید معلوم باشد: حقوق برابر، امنیت شهروندان، استقلال کشور، آزادی رقابت و فراهم کردن امکان انتخاب. چنین توافقی، همگان را به پذیرش یک برنامه حزبی یا یک نتیجه ازپیش تعیین شده ملزم نمی کند.

برای پادشاهی خواه مشروطه طلب، پذیرش حق رقابت جمهوری خواه بخشی از اعتبار مشروطه خواهی است. برای جمهوری خواه دموکرات نیز به رسمیت شناختن حق استدلال و فعالیت پادشاهی خواه، معیار احترام به تكثر است. اختلاف بر سر ریاست کشور می تواند درون تعهد مشترک به محدودیت قدرت و حقوق شهروندی ادامه یابد.

همبستگی، به روش کار نیاز دارد: قواعد عضویت و نمایندگی، تصمیم گیری ثبت شده، انتشار مواضع مشترک، رسیدگی به اختلاف و امکان خروج بدون تهدید. هیچ گروهی نباید با تکیه بر عنوان ائتلاف، خود را نماینده همه ایرانیان معرفی کند مگر آنکه دامنه این نمایندگی و مبنای آن روشن باشد.

شعار و عنوان هواداری، بیان تعلق سیاسی اند؛ مقام حقوقی با فرایند قانونی تأسیس می شود. همچنین شمار دنبال کنندگان یا حجم فعالیت در شبکه های اجتماعی، به تنهایی جای سازوکار معتبر سنجش ترجیح عمومی را نمی گیرد. برای همکاری مؤثر، لازم است میان نشانه های حمایت، ادعای نمایندگی و اختیار تصمیم گیری تمایز گذاشت.

حفظ حرمت مخالف و دوری از تحقیر، تهدید و جرم‌انگاری مخالفت مسالمت‌آمیز، باید از رفتار روزمره جریان‌های سیاسی آغاز شود. حمایت درمانی یا حقوق‌بشری از یک انسان نیز به پذیرش برنامه سیاسی او وابسته نیست. دفاع از حق دیگری، ظرفیت زندگی مشترک در نظام آینده را تقویت می‌کند.

#### ۴. گام چهارم | روابط خارجی؛ تعهد پیشنهادی و ارزیابی پیامدها

در چشم‌انداز رسمی منتشرشده در ژانویه ۲۰۲۶، رضا پهلوی از عادی‌سازی روابط با آمریکا، شناسایی اسرائیل در ایران پس از جمهوری اسلامی و گسترش پیمان ابراهیم در قالب پیشنهادی «پیمان کوروش» سخن گفته است. تجارت، سرمایه‌گذاری و پاسخ‌گویی نهادهای عمومی نیز در همان سند مطرح شده‌اند. این موارد، پیشنهادها و تعهدات اعلام‌شده‌اند؛ سند تحقق یک پیمان یا موافقت نهایی همه طرف‌ها نیستند.

[۳]

در چارچوب این مقاله، سیاست خارجی مطلوب باید با منافع ملی، امنیت مردم، استقلال تصمیم‌گیری و الزامات قانونی پیوند داشته باشد. ارتباط دیپلماتیک و دریافت حمایت خارجی می‌تواند موضوع ارزیابی سیاسی باشند؛ حق تعیین قانون اساسی و شکل حکومت باید از مجرای مشروع داخلی اعمال شود. حمایت درمانی، امدادرسانی، دفاع حقوقی، فشار دیپلماتیک و اقدام نظامی، آثار و الزامات متفاوتی دارند. ارزیابی هر کدام به پرسش‌هایی درباره حفاظت از غیرنظامیان، پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت، هزینه انسانی و مبنای تصمیم نیاز دارد. عنوان کلی «حمایت از ایران» برای پاسخ به همه این پرسش‌ها کافی نیست.

درباره هر توافق خارجی نیز باید موضوع، طرف‌های متعهد، ضمانت اجرا و مرجع تصویب روشن باشد. گشایش دیپلماتیک می‌تواند فرصت ایجاد کند، اما میزان و زمان آثار اقتصادی آن به اجرای تعهدات و وضعیت نهادها بستگی دارد. همراهی یک دولت خارجی، انتخاب سیاسی ایرانیان یا موفقیت خودکار بازسازی را تضمین نمی‌کند.

## ۵. گام پنجم | اداره موقت؛ فراهم کردن امکان انتخاب آزاد

رضا پهلوی در سخنان ۱۷ ژانویه ۲۰۲۶ از برنامه صد روز نخست و بازسازی بلندمدت، تداوم خدمات ضروری و سپس فرایند قانون اساسی با نظارت بین‌المللی سخن گفته است. ارجاع به این اظهارات، وجود این وعده‌های برنامه‌ای را نشان می‌دهد؛ بررسی جزئیات و امکان اجرای آن‌ها به ارزیابی جداگانه نیاز دارد.

[۱]

از نظر این مقاله، اداره موقت باید زندگی روزمره مردم را در مرکز تصمیم‌ها قرار دهد: آب و برق، درمان، پرداخت‌های ضروری، تأمین دارو و غذا و حفظ زیرساخت‌های عمومی. برنامه باید مسئول اجرا، منابع و شاخص پیگیری داشته باشد. حفظ کارکنان حرفه‌ای و تداوم خدمات را می‌توان با رسیدگی قانونی به مسئولیت اشخاص در نقض حقوق جمع کرد.

عدالت در دوران گذار، به حفظ اسناد، امکان شنیدن صدای قربانیان و رسیدگی منصفانه نیاز دارد. انتساب مسئولیت باید بر شواهد مربوط به اشخاص و اعمال معین استوار باشد. مخالفت با شکنجه و اعدام و پرهیز از انتقام جمعی، در چارچوب اخلاقی این مقاله، بخشی از تعهد به کرامت انسانی است؛ آشتی نیز نباید جای پاسخ‌گویی و حقوق قربانیان را بگیرد.

در طراحی فرایند انتخاب، پیشنهاد این مقاله آن است که درباره ترتیب انتخاب نمایندگان تدوین قانون اساسی، تعیین شکل حکومت و تصویب متن نهایی، از پیش گفت‌وگوی علنی صورت گیرد. رأی به نام یک نظام، همه جزئیات آن را تعیین نمی‌کند. گزینه‌ها، اثر حقوقی هر رأی و مرجع تدوین و تصویب باید برای رأی‌دهنده قابل فهم باشند.

راهنمای بازنگری شده کمیسیون و نیز درباره همه‌پرسی، بر پرسش روشن و بی‌طرف، اطلاعات متوازن، فرصت رقابت منصفانه، مرجع اداره بی‌طرف، نظارت و امکان اعتراض تأکید دارد. این سند در این مقاله

معیار مقایسه‌ای است؛ برنامه رسمی ایران یا قانونی که به خودی خود بر فرایند آینده ایران حاکم باشد، محسوب نمی‌شود. [۶]

بر این مبنا، برای ایران می‌توان سازوکارهایی مانند ثبت دقیق رأی‌دهندگان، دسترسی عمومی به گزینه‌ها، رأی مخفی، اعلام شفاف شمارش و رسیدگی مستقل به اعتراض‌ها را پیشنهاد کرد. چگونگی مشارکت ایرانیان خارج از کشور، افراد آواره و شهروندان دارای محدودیت دسترسی نیز باید در قواعد روشن بررسی شود. حضور ناظر بین‌المللی مکمل نهادهای معتبر داخلی است و مسئولیت آن‌ها را از میان نمی‌برد.

## ۶. گام ششم | پادشاهی مشروطه؛ در صورت انتخاب مردم

مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و کمک به انتخابات، در راهنمای پادشاهان مشروطه در دموکراسی‌های پارلمانی، رئیس کشور موروثی را با نقش عمدتاً نمادین، مدنی و نمایندگی و بدون قدرت اجرایی یا سیاست‌گذاری توصیف می‌کند. در این الگو، اداره سیاسی کشور با دولت پاسخ‌گو به پارلمان است. این تعریف، یک الگوی نهادی را توضیح می‌دهد و درباره هر حکومتی که نام مشروطه بر خود گذاشته باشد، حکم یکسانی صادر نمی‌کند. [۴]

مدل مورد دفاع در این مقاله، پادشاهی مشروطه پارلمانی در صورت انتخاب آزاد مردم است. در چنین پیشنهادی، قانون اساسی باید حدود مقام سلطنت، اختیارات پارلمان، تشکیل دولت، استقلال دستگاه قضایی و حقوق شهروندان را صریح کند. نقش نمادین رئیس کشور باید با امکان نقد نهاد سلطنت و حقوق برابر مخالفان آن همراه باشد.

برای ایران، پیشنهاد نهادی این مقاله آن است که تصمیم‌گیری درباره بودجه، سیاست خارجی و مدیریت اجرایی در اختیار مراجع پاسخ‌گو قرار گیرد؛ اختیار مستقل و نامحدود برای انحلال پارلمان یا کنارگذاشتن دولت پیش‌بینی نشود؛ و نیروهای مسلح تابع ساختار قانونی و نظارت مدنی باشند. قواعد جانشینی، هزینه‌های نهاد سلطنت و تفکیک دارایی عمومی از خصوصی نیز باید روشن و قابل نظارت باشند.

طرفداران این مدل می‌توانند برای تداوم نمادین کشور، فاصله رئیس کشور از رقابت روزمره احزاب و امکان نمایندگی وحدت ملی استدلال کنند. منتقدان نیز می‌توانند موروثی بودن مقام یا خطر تمرکز غیررسمی قدرت را نقد کنند. پاسخ دموکراتیک به این نقدها، توضیح قواعد و پذیرش رقابت آزاد است. توان وحدت‌بخشی یک نهاد باید در عمل ارزیابی شود.

اگر مردم جمهوری را انتخاب کنند، همان اصول برابری، پاسخ‌گویی و انتقال قانونی قدرت باید حفظ شوند. از سوی دیگر، انتخاب پادشاهی مشروطه نیز به معنای حذف احزاب جمهوری خواه یا حق نقد نیست. حق انتخاب مردم، هم مبنای تأسیس نظام است و هم تعهدی که در زندگی سیاسی بعد از تأسیس آن ادامه می‌یابد.

اعتبار پول، کاهش تورم، فرصت شغلی و کیفیت خدمات عمومی، هدف‌های جداگانه حکمرانی‌اند. هر یک به سیاست، منابع، زمان‌بندی و ارزیابی نیاز دارد. در طرح بازسازی پیشنهادی این مقاله، شفافیت بودجه، نظارت بر قراردادهای امنیت حقوقی و رسیدگی به فساد باید همراه با سنجش وضعیت معیشت و دسترسی به خدمات پیگیری شوند. عنوان نظام، جای گزارش عملکرد را نمی‌گیرد.

## جمع‌بندی | پیوند اصول، مسئولیت و حق انتخاب

شش گام این نوشته از اصول مشترک به حدود رهبری، از همکاری سیاسی به روابط خارجی و از اداره موقت به تأسیس نظام می‌رسند. این ترتیب، ابزار توضیح است. زمان تغییر سیاسی، واکنش نهادها، رفتار دولت‌های خارجی و نتیجه رأی مردم را نمی‌توان از آن به صورت قطعی استخراج کرد.

«واکنش زنجیره‌ای» در چارچوب تحلیلی پیش‌نویس، استعاره‌ای برای پیوند اعتماد، همکاری و آمادگی نهادی است. هر پیوند به شرایط واقعی، تصمیم‌ها و منابع وابسته است و امکان وقفه یا شکست دارد. برای تبدیل امید به ظرفیت، باید مشخص کرد چه اقدامی، با مسئولیت چه کسی، در چه زمان و با کدام نشانه موفقیت قابل پیگیری است.

حمایت از شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند با تعهد روشن به سکولاردموکراسی و ترجیح پادشاهی مشروطه پارلمانی همراه باشد. استدلال مرکزی این مقاله آن است که این حمایت، با توضیح حدود مسئولیت، حفظ حق نقد و پذیرش انتخاب آزاد مردم اعتبار نهادی پیدا می‌کند.

ایران آینده به همکاری کسانی نیاز دارد که با وجود اختلاف، امنیت و حقوق یکدیگر را به رسمیت بشناسند. آزادی زمانی دوام می‌آورد که شهروند بتواند بدون ترس مخالفت کند، مقام عمومی موظف به پاسخ باشد و تغییر قدرت از راه قواعد روشن انجام شود. این معیارها باید از دوران گذار آغاز شوند و در نظام برآمده از رأی مردم ادامه یابند.

## یادداشت روش و حدود شواهد

تفکیک گزارش و پیشنهاد: نقل مواضع رضا پهلوی در این مقاله، نقل به مضمون از منابع رسمی مشخص شده است. پیشنهادها منشور گذار، نظارت، طراحی انتخابات و قانون اساسی، صورت‌بندی تحلیلی نویسنده‌اند و تأیید رسمی یا توافق همه جریان‌های سیاسی درباره آن‌ها ادعا نمی‌شود.

تفکیک مرحله‌بندی‌ها: وبگاه رسمی رضا پهلوی راهبردی با پنج محور معرفی می‌کند: فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی، حمایت حداکثری از مردم ایران، ریزش حداکثری از درون حکومت، سازمان‌دهی حداکثری ایرانیان و پروژه شکوفایی ایران. این پنج محور با شش گام تبیینی این مقاله یکسان نیستند. [۲]

حدود نتیجه‌گیری: این متن، میزان حمایت عمومی، نمایندگی انحصاری سکولاردموکراسی، زمان تغییر حکومت یا نتیجه انتخابات آینده را احراز نمی‌کند. منابع تطبیقی درباره حقوق و نهادها، برای روشن کردن معیارهای بحث به کار رفته‌اند. نسخه تکمیل شده در ۶ اکتبر ۲۰۲۶ تنظیم شده و منابع برخط در همان تاریخ بررسی شده‌اند.

## منابع

تاریخ بررسی منابع برخط: ۶ اکتبر ۲۰۲۶. منابع رسمی برای احراز مواضع و منابع تطبیقی برای تعریف معیارهای نهادی استفاده شده‌اند.

[۱] رضا پهلوی. متن کنفرانس خبری با رسانه‌های جهانی درباره حرکت ملی ایران. ۱۷ ژانویه ۲۰۲۶؛ بخش اصول بنیادین و برنامه دوران گذار. مشاهده منبع

[۲] رضا پهلوی. «درباره رضا پهلوی». وبگاه رسمی؛ بخش نقش اعلام شده در دوران گذار، اصول بنیادین و راهبرد پنج‌محوری. مشاهده منبع

[۳] رضا پهلوی. «وعده ایران آزاد به جهان». بیانیه رسمی، ژانویه ۲۰۲۶؛ بخش دیپلماسی، پاسخ‌گویی و فرصت اقتصادی. مشاهده منبع

[۴] بولمر، الیوت. «پادشاهان مشروطه در دموکراسی‌های پارلمانی». مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و کمک به انتخابات؛ راهنمای ساخت قانون اساسی، شماره ۷. نسخه بازنگری شده، اکتبر ۲۰۱۷. مشاهده منبع

[۵] سازمان ملل متحد. «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، ۱۹۶۶؛ به‌ویژه مواد ۱۸، ۱۹، ۲۵ و ۲۶. متن رسمی در مجموعه معاهدات سازمان ملل، جلد ۹۹۹. مشاهده منبع

[۶] کمیسیون ونیز، شورای اروپا. «راهنمای بازنگری شده رویه مناسب در همه‌پرسی‌ها». سند CDL-AD(2022)015؛ تصویب ۱۷ و ۱۸ ژوئن ۲۰۲۲. مشاهده منبع